

جنایات دولت ترکیه علیه مردم کردستان محکوم است

در روزهای اخیر ارتش ترکیه حملات هوایی سنگینی را به مناطق شمال کردستان عراق و مناطق پایگاهی پ ک ک شروع کرده که نتیجه آن اساسا کشتار مردم بی دفاع و خسارات مالی زیاد به ستمدیدگان منطقه است.

حملات سنگین ارتش ترکیه شروع یک نبرد منطقه ای علیه نه فقط پ ک ک که اساسا علیه مردم کردستان سوریه و مناطق تحت حاکمیت حزب اتحاد دمکراتیک کردستان در شمال آن کشور است.

دولت امریکا به دنبال توافق با جمهوری اسلامی، برای رفع نگرانی و جلب رضایت ترکیه اجازه عملی کردن این نقشه را به دولت اردوغان داده است، تا در نهایت مناطق مرزی خاک کردستان سوریه با ترکیه را رسماً اشغال نظامی کرده و ادامه نقش جنایتکارانه داعش را به ارتش خود بسپارد. اقدامات جنایتکارانه دولت ترکیه که دیروز توسط داعش در کردستان سوریه دنبال میشود، با مقاومت وسیع نظامی مردم این منطقه به کمک حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه، در نبردی طولانی سد شد. آن زمان نیز دولت ترکیه عملاً به پشت جبهه نیروهای داعش تبدیل شده بود. امروز این پروژه رسماً و علناً توسط دولت ترکیه و در توافقی اعلام نشده با دولت آمریکا دنبال میشود.

دولت ترکیه در تلاش برای ایفای نقش در منطقه و به عنوان یکی از بازیکنان آن است. برای پیش برد چنین نقشی، بعلاوه در تلاش است که هر نوع فضای اعتراضی در خود ترکیه و هر صدای مخالفی را هم ساکت کند. حمله به مخالفان خود در ترکیه، خانه گردی و فضای پلیسی و دستگیری صدها نفر از مخالفان سیاسی خود به بهانه مبارزه با داعش، مبارزه با پ ک ک و تحریکات ناسیونالیستی، همگی در خدمت این سیاست است. دفتر کردستان حزب حکمتیست این حملات جنایتکارانه و کشتار مردم بی دفاع در شمال کردستان عراق و اهداف شوم تعرض به مردم کردستان سوریه و اشغال مناطق آنها را محکوم کرده و همه را به اعتراض به دولت جنایتکار ترکیه فرا میخواند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)
اول اوت ۲۰۱۵

"کارشناس" به تمکین کشاندن مردم

امان کفا



روزی نیست که حداقل یک خبر از خودکشی و ابراز ناتوانی پدر یا مادری از پاسخگویی به برآورده کردن حداقلی از زندگی برای خانواده خود، در میدیای رسمی در ایران نباشد. گرانی سرسام آور و بیکاری دو مشکل اصلی است که جامعه با آن دست بگریبان است.

در این میان "اقتصاددانان" نان به نرخ روز خور، باری دیگر به کمک حاکمیت بورژوازی در ایران شتافته اند و با بلند کردن پرچم "اقتدار ایرانی" پس از توافقات هسته ای، "دست آوردهای" دولت اعتدال را در بوق و کرنا می کنند. این "کارشناسان" براه افتاده و یاد آوری می کنند که این دولت تورم را از بیش از چهل درصد به کمتر از پانزده درصد رسانده است. اینها ادعا می کنند که مقابله با گرانی، کاهش تورم، همچون هر داروی ضد سرطانی است که عوارض و عواقب ناخوشایند خود را به همراه دارد. یکی از این عوارض بیکاری است! استادهایشان به "تئوری های" اقتصادی است که حکایت از رابطه معکوس نرخ تورم و بیکاری دارد. کاهش یکی، به معنای افزایش دیگری است و می گویند که این همان مسئله ای است که در دیگر کشورهای دنیا نیز به سیاست دولت ها شکل داده است. فراتر اینکه که با غلبه کامل سیادت بازار آزاد در جهان، سیاست های کاهش بیکاری سوسیال دمکرات ها و دولت های رفاه قدیمی و شکست خورده اند، و امروز دیگر همه جا کاهش تورم، به معنای افزایش بیکاری است. پوچی این تزاها در همان اوایل دهه این قرن (زمانیکه هم نرخ تورم و هم در صد بیکاری پایین بود)، عیان شده و یکبار دیگر ثابت شد که میزان ارزش اضافی تولید شده (در آن دوره بدنبال انقلاب انفورماتیک) تعیین کننده است و چنین تئوری هایی از لیست دروس دانشگاهی اروپا حذف شد.

امروز، اما، عاریه گرفتن آن تزاها از جانب "اقتصاددانان" وطنی هدف مشخص تری را دنبال می کند. آنها می خواهند به مردم بقولانند که در ایران امروز نیز تنها چاره برسمیت شناسی همین "اصل" است. آنها ادعا دارند که ما باید بپذیریم و منتظر بمانیم تا که "به امید خدا" سرمایه ها خارجی (و تکنولوژی مدرن و انفورماتیک) به سوی ایران سرازیر شوند و به این ترتیب "کارآفرینیان" ملی هم "تشویق" شوند، سرمایه گذاری و "مدیریت مدرن" جا بیافتد و بالاخره بیکاری کاهش یابد!

صفحه ۴

به یاد رفیق گرامی علیرضا داوودی

خالد حاج محمدی



رفیق علیرضا داوودی کمونیست برجسته، سخنگوی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در اصفهان، شخصیت محبوب در میان نسل جوان آزادیخواه و برابری طلب در پنجم مرداد ۱۳۸۸ در سن ۲۶ سالگی در بیمارستانی در شاهین شهر اصفهان جان باخت.

علیرضا داوودی سردبیر نشریه دانشجویی راه خاکی در دانشگاه اصفهان، سخنگوی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب اصفهان، سخنران و سازمانده هشت مارس ۸۶ اصفهان، سخنران مراسم اول مه ۸۷ کامیاران و چهره محبوب در میان فعالین کمونیست در ایران و از چهره های شناخته شده در محلات کارگری اصفهان و در میان کارگران مراکز کارگری این شهر بود.

علیرضا داوودی در تاریخ ۲۴ بهمن ۸۷ توسط وزارت اطلاعات در منزل خود در شاهین شهر دستگیر و زیر فشار و شکنجه های فراوان قرار گرفت. سرانجام در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. بدنبال آزادی از زندان بدلیل مشکلات جسمی ناشی از دوره زندان و شکنجه هایی که شده بود، در بیمارستانی در شاهین شهر بستری شد و همانجا و بعد از مدت کوتاهی جان باخت.



پیام علیرضا داوودی سخنگوی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب اصفهان

صفحه ۲

به یاد رفیق گرامی

آزادخواهان، دفاع از برابری انسانها و علیه بردگی و اجحافات اعمال شده به طبقه کارگر به زنان و جوانان متحد کردند. دوره درخشانی که کمونیستها در دانشگاههای ایران حرف اول را میزدند. دوره ای که برای اولین بار در تاریخ سیاسی ایران نسل جوان کمونیست حول مطالبات برابری طلبانه، با نشریات چپ و رادیکال، با سخنرانیهای خود، با تجمعات وسیع و توده ای، فضای سیاسی ایران را تحت تاثیر قرار دادند. دوره ای که امید به رهایی و امید به سوسیالیسم و انقلاب کارگری در دل توده وسیعی از مردم ایران، در دل بخش قابل توجهی از کارگران، در دل نسل جوان تحصیل کرده طبقه کارگر شگفت و ترس و نگرانی را در دل سرمایه داران و دولتشان با همه جناحهای آن از سبز و سیاه تا نارنجی، در دل کل صف ارتجاع از جریانات اسلامی تا ناسیونالیستی ایجاد کرد. دوره ای که کل این صف جوانان ایران را حول مطالبات

عظیم و سوسیالیستی است. بی تردید اراده ما کمونیستهایی که این حقیقت را می بینیم و برای ایفای نقش تاریخی در این دوره نقشه روش و دخالتگرانه ای داریم و تصمیم به پاکداشتن در این میدان گذاشته ایم، تعیین کننده است. مسئله این است که این جنبش بار دیگر اینبار قدرتمند تر، وسیعتر و همه جانبه تر عروج خواهد کرد. اینبار مرکز این تحرک سوسیالیستی از دانشگاهها به مراکز صنعتی ایران به میان پرولتاریای صنعتی ایران تغییر مکان خواهد داد. اینبار کمونیستهای طبقه کارگر مستقیم و از زبان رهبران و فعالین خود در میان طبقه کارگر ایران به سخن خواهند آمد و شبخ کمونیسم بر فراز جامعه ایران را در مبارزات خود برای رفاه و آزادی و امنیت به نیروی اجتماعی و قدرتمند و غیر قابل حذف تبدیل خواهند کرد. اینبار علیرضا داوودی های امروز و داوودی های تاریخ تضمین خواهند کرد. آنچه شفع انگیز است. تحرک است امکان پذیری این تحول

آزادخواهی در دانشگاهها و علیه دانشجویان آزادخواه و با حمله وسیع جمهوری اسلامی و دستگیری طیف وسیعی از رهبران، سخنگویان و فعالین این تحرک انسانی، سرکوب شد. امروز و با گذشت ۸ سال از سرکوب تحرکات آزادخواهان دانشجویان، با گذشت ۸ سال از سرکوب دانشجویان آزادخواه و برابری طلب(داب)، هنوز اهداف و آرمانهای این تحرک، امیال و آرزوی اکثریت نسل جوان خصوصا در دانشگاههای ایران است. هنوز مراجعه به آن تاریخ، خواندن در آن، درسها و تجارب آن، گنجینه ای مهم برای نسل جوان در دانشگاهها و در مبارزات آزادخواهان آنها است. تجربه داب و عروج کمونیستها در دانشگاه، شیرین ترین و افتخار آمیز ترین دوره مبارزات دانشجویی در تاریخ سیاسی ایران است. تحرک

آزادخواهان، دفاع از برابری انسانها و علیه بردگی و اجحافات اعمال شده به طبقه کارگر به زنان و جوانان متحد کردند. دوره درخشانی که کمونیستها در دانشگاههای ایران حرف اول را میزدند. دوره ای که برای اولین بار در تاریخ سیاسی ایران نسل جوان کمونیست حول مطالبات برابری طلبانه، با نشریات چپ و رادیکال، با سخنرانیهای خود، با تجمعات وسیع و توده ای، فضای سیاسی ایران را تحت تاثیر قرار دادند. دوره ای که امید به رهایی و امید به سوسیالیسم و انقلاب کارگری در دل توده وسیعی از مردم ایران، در دل بخش قابل توجهی از کارگران، در دل نسل جوان تحصیل کرده طبقه کارگر شگفت و ترس و نگرانی را در دل سرمایه داران و دولتشان با همه جناحهای آن از سبز و سیاه تا نارنجی، در دل کل صف ارتجاع از جریانات اسلامی تا ناسیونالیستی ایجاد کرد. دوره ای که کل این صف جوانان ایران را حول مطالبات

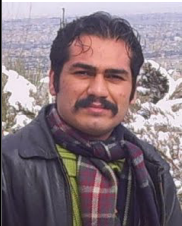
علیرضا داوودی چهار برجسته تحرکات انقلابی و برابری طلبانه در دانشگاههای ایران بود. او به نسلی تعلق داشت که در دوره سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی از سالهای ۸۴ تا ۸۶ فضای دانشگاههای ایران را تغییر دادند، نسلی از جوانان ایران را حول مطالبات

پزشکان دلیل مرگ علیرضا را سخته قلبی اعلام کردند، اما مرگ علیرضا از نظر همه کسانی که او را میشناختند مرگی مشکوک نامید شد و انگشت اتهام به سوی دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی نشانه رفت.

اکنون ۶ سال از مرگ علیرضا داوودی میگذرد و هر سال رفقا و دوستانش، خانواده و بستگان او، به یاد او بر سر آرامگاه علیرضا جمع میشوند و خاطره عزیز او را گرامی میدارند.

علیرضا داوودی چهار برجسته تحرکات انقلابی و برابری طلبانه در دانشگاههای ایران بود. او به نسلی تعلق داشت که در دوره سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی از سالهای ۸۴ تا ۸۶ فضای دانشگاههای ایران را تغییر دادند، نسلی از جوانان ایران را حول مطالبات

اول اوت ۲۰۱۵



پیام علیرضا داوودی سخنگوی دانشجویان آزادخواه و برابری طلب اصفهان

زندان دستگرد شعبه ی دوم دانشگاه اصفهان!!!

خران امسال با بادهای خود و یورش های وحشیانه ی حلقه بگوشان استبداد می خواهد سرمای زمستان را به جامعه و بویژه دانشگاه تحمیل نماید! فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی ما را با زندان و شکنجه پاسخ می دهند به این امید که حاکم مطلق جامعه گردند زهی خیال باطل! رفقای ما را دزدانه می ربایند و به زندان روانه می کنند تا شاید فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی به گوش نرسد! اما فراموش می کنند که این خواستی تاریخی و توده ای است. گیرم که می زنید گیرم که می برید گیرم که می کشید با رویش ناگزیر جوانه چه می کنید؟؟؟!

۱۳ آذر ۸۶ در دانشگاه تهران گرفتند، شکنجه کردند، به زندان انداختند، اما ندیدند که جوانه های آزادیخواهی و برابری طلبی در اقصی نقاط این جامعه روید. حالا به دانشگاه و شهر اصفهان یورش می برند، می گیرند و شکنجه می کنند و زندان دستگرد را به شعبه ی دوم دانشگاه اصفهان تبدیل می کنند اما به نتیجه ی ناگزیر آن نمی اندیشند. این حلقه بگوشان استبداد ظاهرا نمی خواهند بفهمند که فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی بر آمده از وضعیت موجود جامعه ی سرمایه داری و خواستی تاریخی و توده ای می باشد و بازداشت استوارترین یاران و رفقای پرچم دار خواست آزادی و برابری تنها این ردا و پرچم را به دوش توده ی جامعه می اندازد و سلاح مبارزه را در اختیارشان قرار می دهد.

درد و رنج دوری رفقا و در بند بودنشان وجود ما را آزوده ساخته، هبهاست که راه مبارزه راهی سخت و طولانی است و با اراده ی قوی بایراه رفقا را ادامه داد و با گام های استوارتر قدم در راه پر خطر ناگزیر مبارزه برای آزادی و برابری گذاشت. امروز یک بار و برای همیشه به عمه های حاکمیت استبداد هشدار می دهیم که فریاد خاموشی ناپذیر است و این برخوردهای قرون وسطایی تنها و تنها گام هایمان را برای ساختن یک دنیای بهتر استوارتر می گرداند.

زنده باد آزادی – زنده باد برابری

علیرضا داوودی سخنگوی دانشجویان آزادخواه و برابری طلب اصفهان

حکمت هفتی را بخوانید و آن را کثیر و پخش کنید!
حکمت را بدست کارگران برسانید!

رفاه

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که بسرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران

- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم

- برقرار فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

- تعطیلی دو روز متوالی در هفته

- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال

- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و....) برابر با مزد متوسط کارگر.

- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

از: شور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران

مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

"کارشناس" به تمکین وافتعیت چیز دیگری است. ثروتی که خود تولید کرده است، محروم باشد.

جناب زیبا کلام یکی از شمشیر زن های صف مقدم این طیف است. اخیرا در سرمقاله روزنامه شرق، در رابطه با "پشت پرده سفرهای مکرر غربی ها به تهران" اظهار نموده که دولت اعتدال بدلیل سرعتزدن، سیاست "همراهی با آمریکا" در تقابل با "همراهی با چاوز و تقابل با آمریکا" را اتخاذ کرده است، و اینکه نقش ایران در خاورمیانه باعث شده است تا اعتماد کافی کشورهای ۵+۱ و مشخصا آمریکا را کسب کند. وی مدعی است که باز هم فرصت لازم است تا این رابطه جدید جا بیافتد، بهبود یک شبه ممکن نیست، بلکه زمان خواهد برد. بار دیگر این مشاور در بورس دولت اسلامی، مردم را به انتظار و فرصت دادن به دولت فرا می خواند و لایذ باز هم عجله مردم برای خارج شدن از این فقر و فشار مالی، از بیکاری را باید نشان "کار شیطان" تلقی کرد!

برخلاف این مجیزگویی ها، واقعیت چیز دیگری است. تورم و گرانی نه فرض و داده "الهی"، نه خواسته از ذات انسانی، و نه بدلیل بدبختی و عدم مدیریت جناحی از جمهوری اسلامی است. بیکاری هم به همین ترتیب "مشکل بشر مترقی" نیست. هردو اینها بخشی از کارکرد سرمایه و حرکت جنون آمیزش بدنبال سود است و بس. همه می دانند که بورژوازی و نمایندگانشان در دولت هستند که تصمیم می گیرد که سبب مورد نیاز مردم برای سنجش نرخ تورم شامل چه نیازهایی باشد یا اینکه اصلا چه میزان از آن نیازها را برای مردم کافی می دانند. و باز این همه طبقه ای های آقای زیبا کلام هستند که در تعیین قیمت گذاری ها سهم اند، و نیروی کار چند میلیونی و نمایندگان مستقیم آنها که نقشی در این تصمیم گیری ها ندارند. همپالگی های آقای زیبا کلام می توانند در محاسباتشان تورم را به صفر درصد برسانند و هنوز هم گرانی نیازهای زندگی انسانی آنچنان باشد که اکثریت قریب به اتفاق این جامعه را از استفاده از ثروتی که خود تولید کرده است، محروم باشد.

شغل شریف "کارشناسان" و "اقتصاد دانانی" بورژوایی مانند زیبا کلام تظہیر چهره شنیع سیستم است که با طبیعی نشان دادن این مصائب، سرمایه و سرمایه داری را از تیررس تعرض همین میلیونها انسان نجات دهند.

بر خلاف این تبلیغات، امروز دیگر کسی نیست که کوچکترین شبهه ای به ناتوانایی دولت و اصولا کل حاکمیت جمهوری اسلامی در یافتن چاره ای برای کاهش گرانی و بیکاری در ایران داشته باشد. امروز دیگرچه "کارشناسان" اقتصادی و چه جدالهای جناحی آنان که زیبا کلام آنرا بعنوان "سنگ اندازی علیه دولت اعتدال" معرفی می کند بیش از پیش نخ نما شده است. نه آویزان کردن بنرهای "شمر و اوباما" و "فرش خون" علیه فرانسه در تهران برای نشان دادن "مستکبران ابرقدرتی" بمثابه بانی این وضعیت وخیم زندگی، و نه قربان صدقه دولت اعتدال رفتن و "تحسین" مهارت های مذاکراتی اش بمثابه "ناجی امید" برای بهبودی اوضاع اقتصادی، گوش شنوایی ندارد. بعد از بیش از سه دهه حکومت نماینده خدا و امام و جنگ، صلح و خزعيلات "جامعه مدنی" احمدی نژاد پرچم سپاهی، مبنی بر واریز کردن پول نفت به سفره مردم، بعد از افاضات اصلاح طلبی سبز، و همزیستی رفسنجانی و روحانی معتدل با کامنت های تویتری، جامعه اینرا تشخیص داده که اینها پاسخی در مقابل گرانی شدید و بالا گرفتن تیر بیکاری بر سر مردم این کشور ندارند. برو بیای این نوع اقتصاد دانان هم، علیرغم تمام تلاشهای شبانه روزی این کارشناسان در "نقد" دولت و مدیریت های دوره قبلی، همچون پیش کسوتانشان به سر خواهد آمد.

امروز بیش از هر دوره دیگری، جمهوری اسلامی و بورژوازی در ایران نشان داده است که تحمیل این شرایط وخیم معیشتی به مردم و کل نیروی کار در ایران نه بدلیل "عدم فهم" این مردم از "مهارت های دولتمردان، بلکه با اعمال اختناق شدید و گلوله و زندان و اعدام میسر است.

برچیدن کل دستگاه سرکوب، میزان "فهم" مردم در ایران را به دنیا نشان خواهد داد. خواست رفاه و برخورداری از حجم عظیم ثروتی که در ایران تولید می شود، و خواست فراغت از جهمی که دولت های رنگارنگ جمهوری اسلامی ناظم آن هستند، همین امروز دست یافتنی است. پرچم آزادی، رفاه و امنیت، بیانگر حداقل خواست هایی است که در مقابل این حکومت سرمایه باید قرار داد. مانع اصلی در عملی کردن این خواست ها و بدست آوردن مینیمی از یک زندگی مقبول در ایران، جمهوری اسلامی و تمام دستگاه سرکوب و تحمیق اش است. با براندازی جمهوری اسلامی، این "کارشناسان اقتصادی" و تزه های عاریه ای شان هم به زباله تاریخ پرت خواهند شد.

اول اوت ۲۰۱۵

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، بعنوان نیروی پیشرو کارگران در ایران، بعنوان نیروی پیشرو جنبش رهایی زن و جنبش اسلام زدایی در ایران، بعنوان نیروی پیشرو همه آزادیخواهان و برابری طلبان، رئوس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و محرومین ایران را، که نهایتا یک قیام توده ای به رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست اش ضامن تحقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید.

مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه ای که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است. ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

مشور رفاه، آزادی امنیت مردم ایران

مشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران، را بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist Manshour.html>

قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!

نشریه هفتگی حزب حکمتیست خط رسمی)
www.hekmatist.com
سردبیر: فواد عبداللہی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com